

به نام خدای مهربان

◆ پیرامون مذاکره شنبه ایران و آمریکا؛

از خوشبینی تا بدبینی، بلکه حصول کمی واقع‌بینی

صادق بشیره 🍌

بر خلاف آرایش جنگی طرفین و تاکید مقامات ایران از رهبری تا رییس جمهور بر عدم مذاکره با آمریکا و حتی تهدید به تغییر دکترین هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران توسط علی لاریجانی در صورت حمله به تسلیحات هسته‌ای، ترامپ از مذاکره شنبه پرده برداشت و همه حتی نتانیاهو را شوکه کرد. این وسط چیزی که باز هم میان مردم ایران و حاکمیت فاصله انداخت، شنیدن اخبار کشور از زبان ترامپ بود که از "غیرخودی" بودن مردم و رویکردهای "مخفی‌کارانه" حاکمیت حکایت دارد.

دلیل خوش‌بینانه این مخفی‌کاری می‌تواند این باشد که هنوز نه به بار است و نه به دار که بخواهیم خیلی سروصدا کنیم و برای مردم، بازار داخلی و فضای بین‌المللی انتظارات ایجاد کنیم. دلیل بدبینانه‌اش هم این است که احتمالاً تهدیدهای ترامپ در محاسبات عقلانیت انقلابی ما موثر واقع افتاده و خواسته‌اند نرمش‌قهرمانانه‌ای را به دور از گوش‌ها و چشم‌ها آغاز کنند. تدارک آمریکا فراتر از صرف تهدید برای مذاکره، پاسخ به نامه ترامپ و چرخش مقامات ایرانی از عدم مذاکره به مذاکره غیرمستقیم تا موضع‌گیری سرلشکر باقری را می‌توان در راستای هر دو رویکرد تحلیل نمود. در هر دو حالت، تصور این که ترامپ این بمب خبری را به سادگی به حال خود رها کند، محاسبه نابخردانه مقامات ایران بود و ابتکار عمل را به دست آمریکایی‌ها سپرد. به زعم من، اعلام این خبر در حضور نتانیاهو و بدون هماهنگی قبلی، حاوی هشدارهایی برای او نیز بود.

لذا وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، سیدعباس عراقچی، بلافاصله و ضمن تایید خبر، با استفاده از عبارت "مذاکره غیرمستقیم" فرار رو به جلو کرد تا از اهمیت مذاکرات بکاهد. به این ترتیب او مذاکرات را نه پیشرفتی تازه بلکه در تداوم رایزنی‌های وزیر امور خارجه پیشین ایران جلوه داد تا هم تاخیر در اطلاع‌رسانی و هم شائبه ضعف و عقب‌نشینی ایران در برابر ترامپ را توجیه نماید.

عراقچی در کتابی با عنوان "قدرت مذاکره" مذاکره غیرمستقیم را تعریف نموده است. به همین طنزهای وایرال‌شده در شبکه‌های اجتماعی می‌ماند. احمقانه است و عملاً هم دست آخر به مذاکره مستقیم تبدیل می‌شود؛ چیزی که خود عراقچی هم در مصاحبه اخیر از آن گذر نمود و گفت "شکل مذاکره اهمیتی ندارد". اما به زعم حاکمیت این عبارت مصارف داخلی و بین‌المللی دارد. از طرفی در برابر تندروهای داخلی مخالف مذاکره که از خون سردار تا منویات رهبری برای نیل به این هدف مایه می‌گذارند، این روش مذاکره دولت پیشین مورد وثوق و علاقه آن‌هاست و از طرفی در فضای بین‌الملل نه به معنای انسداد راه‌های دیپلماسی و استقبال از جنگ است و نه به معنای ذوق‌زندگی برای مذاکره. من به مصرف داخلی این عبارت خوش‌بینم که مدتی بتواند این و آن را سرگرم جمله‌سازی با "مذاکره غیرمستقیم" کند، اما بعید می‌دانم در فضای بین‌الملل محاسبات بر اساس این لفاظی‌ها انجام گیرد.

اما پرسش مهم دوستان که موجب اصلی این قلم‌فرسایی بود: "چه می‌شود؟". به نظر من اگر غیب‌گو نباشیم و بخواهیم به روش علمی سناریوهای آینده را تحلیل نماییم، لااقل باید تا شنبه صبر کنیم. چنان که از سخنان عراقچی برداشت می‌شود، مذاکرات شنبه بیشتر "مذاکره برای مذاکره" است و لذا نباید چندان از آن توقع داشت. پیام طنزآمیزی دیدم که "شنبه یا سوار تانک می‌شویم یا تسلا". هر دو خلاف واقعیت است؛ نه با توافق قرار است سوار تسلا شویم و نه با عدم توافق لزوماً سوار تانک. نباید اجازه دهیم بخش همیشه طنز جامعه، مجدداً همان فضای سرخوشی یا سرشکستگی و انتظارات بیجای روزهای منتهی به مذاکرات برجام را ایجاد کند. واقع‌بینی و نگاه چندبعدی، همه‌جانبه و راهبردی نیاز اساسی جامعه امروز ماست.

بر این مبنا باید گفت که اساساً فاکتور مذاکره کردن با دنیا از جمله آمریکا در انتخاب پزشک‌های بسیار موثر بود. اما دو گزینه ساختگی را پیش روی پزشک‌های قرار دادند: (۱) مذاکره با آمریکا؛ (۲) حل مشکلات به روش‌های دیگر. او خیلی زود به آرای مردم پشت کرد و گزینه مهمل دوم را به عنوان آلترناتیو برگزید. برای ما اگرچه مهم حل مشکلات است؛ چه با مذاکره و چه

بدون آن [اگر واقعا مقدر می‌بود]، اما پزشک‌های خیلی زود به دیوار محکم واقعیت برخورد کرد و با دو گزینه‌ای که ترامپ پیش روی او و البته حاکمیت قرار داد، مواجه شد. ایران اکنون به تصور این که گذر زمان به ضرر آمریکاست، سعی در وقت‌کشی دارد؛ اما باید در نظر گرفت که ترامپ هم چندان صبور نیست. به نظر من ایران باید جدای از درستی یا نادرستی، هر کاری انجام می‌دهد را خوب انجام دهد. مسیر مناسب شترسواری‌های دولا نیست. اگر مذاکره می‌کنیم، باید خوب مذاکره کنیم و نه کج‌دار و مریز؛ این بدترین حالت ممکن است که هم مذاکره کنیم و هم جنگ شود!